

بروز اختلاف نظر محافل سیاسی امریکا بر ستراتیژی جدید اداره بارک اوبامه در افغانستان (*) نوشته میرمن کورین لینس فرستاده جریده لوموند فرانسه در واشینگتن

مایکل هو هنلون (Micheal O'Hanlon) محقق و پژوهشگر امریکائی مربوط انستیتوت براک لین (Brooklyn) هر سه ماه راپوری از گذارشات جنگ عراق و تعداد قربانیان آن تهیه می نماید. ولی بتاريخ ۲۰ مارچ برای اولین بار گذارشات جنگ افغانستان را نیز شامل کار خود ساخت که با مطالعه آن به آسانی میتوان خطوط موازی بین جنگ عراق و افغانستان را ترسیم کرد. جنگ عراق یعنی (جنگ جارج دبلیو بوش) و جنگ افغانستان که رئیس جمهور جدید امریکا آرزو دارد (جنگ بارک اوبامه) خوانده نشود.

صرف چند روز پس از اعلان ستراتیژی امریکا در افغانستان توسط رئیس جمهور جدید آن کشور مردم امریکا پیش از بیش پریشان و مضطرب هستند.

به قرار یک نظرخواهی موسسه گلوب یو اس ا تودی (Gallup usa Today) که بتاريخ ۱۶ مارچ نشر شده است ۴۲ فیصد امریکائی ها به این عقیده اند که ارسال قوای نظامی به افغانستان در سال ۲۰۰۱ اشتباه بوده است. هنگام مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، جنگ افغانستان به تناسب معرکه عراق از طرف بارک اوبامه (جنگ خوب) خوانده شده بود و از **ظفر** در این جنگ حرف می زد ولی امروز اوبامه دیگر از ظفر سخن نمیزند صرف از **استقرار** حرف می زند.

جنرال مایکل مپلس (General Micheal Maples) آمر موسسه انتلیجنت اجنسی در برابر کانگرس امریکا اظهار داشت که در سال گذشته ۲۰۰۸ اندازه شدت و خشونت جنگ از طرف متخاصمین ۵۲ فیصد بلند رفته است. تعداد عساکر کشته شده امریکائی در افغانستان اکنون با کشته شدگان شان در عراق همسری میکند. در ماه فروری امسال در افغانستان ۱۵ در برابر ۱۶ کشته در عراق ثبت شده است. از هجوم نظامی امریکا که پیش بینی شده بود صرف نظر گردید. در مقابل درخواست مقامات نظامی امریکائی در افغانستان که افزودی ۳۰۰۰۰ (سی هزار) سرباز بیشتر را تقاضا کرده بود، بارک اوبامه از ارسال ۱۷۰۰۰ (هفده هزار) سرباز جدید حرف می زند.

در استانه اتخاذ تصمیم برای یک ستراتیژی جدید اوبامه در افغانستان مناقشات و مباحثات داغ در رسانه های آن کشور آغاز شده است. گروه های محافظه کاران از اوبامه تقاضا کرده اند که بی اهمیت پنداشتن و سهل انگاری را کنار گذاشته و توجه خود را تنها در مبارزه با تروریسم مبدول ندارد.

سناتور جان مکین (John McCain) و سناتور لیو لیبرمن (Leo Lieberman) تقاضا دارند اداره جدید امریکا یک تقرب کلی نظامی و ملکی را در برابر اغتشاشیون اختیار نماید آنها به صورت روشن و دوامدار و بدون تناقض و تضاد. و می افزایند: باید واضح بگوئیم که در جنگ افغانستان میتوان مظفر شد.

در قطب مخالف، آقای لسللی گلب (Leslie Gelb) مربوط دفتر مشاوریت امور خارجه در نوشته ای که در جریده نیویارک تایمز چاپ شده میگوید: شکست طالبان ناممکن معلوم میشود فلها باید امریکا خود را از این ورطه برهاند و از چیزیکه نمیتواند انجام دهد منصرف گردد.

کاندید سابق ریاست جمهوری امریکا جان کری (John Kerry) تصورات خیالی و موهوم ویتنام را بیاد می آورد و می گوید: منظور ما از این جنگ تنزیل دادن قوا و از بین بردن القاعده بود، نه احداث ایالت ۵۱ اضلاع متحده.

وزیر دفاع امریکا رابرت گیت (Robert Gates) هم احتیاط کارانه می گوید: هیچ کس نه وقت آنرا دارد و نه حوصله آنرا، همچنان نه پول آنرا که از افغانستان یک مرکز با امن بسازد.

یک جناح سومی پیشنهادات دیگری دارد. آقای جو بیدن (Joe Biden) معاون رئیس جمهور ماه گذشته (فروری) در بیانات اش در میونشن (آلمان) گفت: ما باید صفوف طالبان را از داخل متفرق بسازیم بدین معنی که گروهی از آنها را با پرداخت پول منحرف گردانیم و گروهی را هم تشویق کنیم که در صفوف اردوی ملی بپیوندن، همچنان تعدادی از آنها را شامل قدرت سازیم.

گروه های ضد جنگ دو روز قبل ۲۱ مارچ مظاهرات ایرا در برابر وزارت دفاع آن کشور براه انداختند و صاف و ساده خواهان کشیدن عساکر امریکا از افغانستان شدند.

(*) ترجمه از جریده لوموند و منابع دیگر مطبوعات فرانسه.